

سلام دشمن خرافات است

بزرگترین امتیازی که دین اسلام بر سایر ادیان الهی دارد آنست که بنیاد گذار شریعت حق در دشمنی با خرافات و موهومات عقاید مضره بحال اجتماع چنان باری و عنایت مخصوصی ابراز نموده و با صراحت و شجاعت بی دری در بر انداختن ریشه پندارهای نابخشودنی و بی اساس کوشیده اند. حقا موجب سرافرازی و مباهات اسلام است با اینکه پیغمبر و بزرگان دین در مواردی با سخنان نفی و موکد در زهد و ترهات و اباطیل و روشن شدن غرض و هدف این آئین الهی (حمايت از حقيقت و پيراستن جمع بشري از شرك و خرافات و بیابانی است) منتهای فداکاری و بطهور رسانیدند متاسفانه چنانکه در نیم خرافات در شئون زندگی پیشه دوانیده و نادانی و بی اطلاهی نمایان دین و شریعت سید المرسلین را دامنگیر ما گردیده که هر جور و باطلی را بنام دین قبول کنیم در حالیکه روح دین از بیزار و از این نسبت مبرا و ساراست این روح اندلسی فیلسوف

و طیب بزرگ اسلام (نویسنده کتاب تهافت التهاوت و غیره) در باره کسانی که با نشر خرافات و تحمیل مردم و ارتزاق از ضعف عقول آنان زندگی میکنند سخنان دلپذیر و محکمی دارد و بساین دسته از مردم جنایة (جانین) بر عقول آنان گذاشته است و میگوید این جانین خطرناکترین و پر ضررترین جانیناند زیرا هر جنایتکاری اگر چه بزرگترین جنایت بدنی یا مالی را مرتکب شود با مردن و از بین رفتن خود او ریشه جنایت شخص او کشته شده و آثار مرتکب بر آن هم کم و بیش زوال میپذیرد ولی آنانکه از راه ترویج خرافات و موهومات عقل مردم را مورد دستبرد خود قرار داده و آنرا از مجرای صحیح خود منحرف کرده اند و در این جنایاتشان نه تنها مستقیماً متوجه شخص آنان میشود بلکه بواسطه اصل و روانت که اصل مسلمی است ملکات و سجایای کسبی پدران منتقل بفرزندان میشود و چون اخلاف در ساختمان مغزی و فکری وارث اسلاف خود هستند پس کسانی که با نشر خرافات و پندارهای زیان بخش پرده ای از تاریکی در

برابر آئینه عقل مردم میکشند و دیده روشن خرد را با سم پاشی نشر باطل بی فروع میسازند و از این راه در دستگاه خرد آینه دکان لطمه و صدمه وارد میکنند بزرگترین جنایت را مرتکب میشوند و ضرر آنان با اجتماع غیر قابل جبران و بخشایش است بنا بر این حفظ جامعه از دستبرد دزدان عقلی و روشن ساختن ضمیر آنان و مجهز نمودن آنها در نبرد با جهل و خرافات خود خدمتی است و در غور عنایت و اهتمام آری اهتمام دین مقدس اسلام از نظر رشد عقلی بشر بدور کردن ابر موهومات از چهار تابناک خورشید حقیقت از باب مثل از این موضوع تاریخی بخوبی درک میشود روزی که ابراهیم فرزند خردسال پیغمبر بدوود حیات کرد خورشید کسوف کرده بود در آنروز مومنین از اخلاص به پیامبر بزرگ تو هم کردند که گرفتن خورشید برای فوت فرزند نبی اکرم است و با خود در این باره بگفتگو پرداختند وقتی این سخن بسمع پیامبر رسید بمردم فرمود (ان الشمس والقمر آیتان من آیات الله لا یخسفان لموت احد ولا لبعیاته فاذا رايتن ذلك فاذاکروا لله) یعنی خورشید ماه دو آیت (نشانه) از آیتهای خدایند برای مرگ و زندگی کسی گرفته نمیشوند چون چنین چیزی

دیدید خدا را بیاد آرید و باو نیایش کنید آری بسا این بیان آسمانی حجاب وهم و خرافات را از چهره خورشید عقول مردم برداشت و بآنان فهمانید که حوادث عالم و نظام صنع تابع مقررات خاص و ترتب علل و معلول و سنن الهیه است که هیچیک از امور جزئیة عارضه آنرا از مسیر و مجرای مقرر آن باز نمیدارد و تو هم کسوف خورشید برای قوت ابراهیم خود پنداری خام بیش نیست و باید از مغز بیرون کرد تا جلوگاه حقیقت گردد

(دیو چو بیرون رود فرشته در آید) بلی یک پیامبر راستین باید چنین ارضاد نماید و در شدت مصیبت مرگ یگانه پسر خویش که گفته اند در پدر بزرگوار بسیار موثر افتاد از ارشاد و رهنمونی مردم باز نایستاد و از انحراف فکری آنان که سرچشمه از خرافات و تیرگی عقل میگرفت جلو گرفت و آنانرا متوجه حقیقت کون و سنن حتمیه و آفریننده آفرین کرد دیانت اسلام از ارتزاق از راه تحقیق مردم و توجه دادن آنان بامور موهوم و بی اساس را حرام و منع فرموده است چنانکه دادوستد با این اشخاص را که در اصطلاح معارف نامیده میشوند منع نموده و تحصیل آنان از کفایت و احکام نجوم و قیافه و جادو و حقه بازی

و نظائر اینها را حرام و یاد گرفتن آنها را ممنوع و اعلام نموده است البته نباید فراموش کرد که دعانویسی بصورتیکه فعلا در شهر و دهات ایران متاسفا رایج است خود نوعی از نیرنگ و حقه بازی و شعبده است که بدینوسیله شیادانی در راه ساده لوحان دام گسترده اند و از این راه جنایاتی مرتکب میشوند که گفتن آن شرم آور است چه بسا نفوس بیگناهی که در دام این خرافه فروشان افتاده آبرو و تندرستی و نظام خانوادگی را در خطر انداخته و بواسطه جهل و نادانی بیچاره و آلوده میشوند در جائیکه باید بیمار را بطیب برسانند بد که و منزل این خدا ناشناسان رومی آورند و با گرفتن ورقه پاره ای کشف و خوراندن آب آن بمریض آب روی انسانی را میریزند از پیامبر بزرگ اسلام نقل شده که فرمود خداوند دعای *شوکسی گاه دارم که بیمار شود و بجای* مراجعه بطیب حاذق و خوردن *دوا طلب شفا از وی نماید مقرون* باجابت نمیکند چون در دواها و روئیدنیهای زمین خواص و اثرات شفا بخشی قرار داده است که آدمی باید با تجویز طبیب موره استفاده قرار دهد این يك مورد از جنایات این گروه که یاد شد خدا میداند که ایشان مانند سحره باهل قدیم چگونه

زنان ساده دل را با انواع حیله شوهران دلسرد و موجب تباهی پراکنندگی خانواده ها میشوند (بفرقه بین المرء و زوجته) در دنیائی سیر علم و دانش با سرعت سیر همعنان است سزاوار نیست هنوز به این از خدا بی خبران و مومنان فروشان گسترده باشد و اثر زیان بخش آن نصیب عالم و مردم گردد دریغ آنکه این شیادان موهومات رنگ دین میزنند در حاکم روح دین و آئین و قرآن شر بآنان لعنت میفرستد (رب قاری للقرآن و القرآن یلعنه) شایسته است که دین از لوث این نابکاری شسته گردد و بر همگان روشن شود که خرافات از ناحیه آئین اسلام نیست بلکه از بقایای عصر تاریک تا بشر است که از تربت علل و موهومات نا آگاه بوده و از روی جهل و غیبه در وادی ضلالت سرگردان بود امید است که با پیشرفت دا حقایق تعالیم و دستوره های اسلام از پیش هویدا گردد.

والسلام علی من اتبع الهدی

مصطفی را وعده داد الطاف حق

گر بمیری تو نمیرد این

اسلام بذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست در مسلمانانی ما